


مجله موسیقی

از انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور



شیوه‌های نقد موسیقی

در سرمقاله شماره گذشته درباره انتقاد موسیقی‌ای سخن گفتیم که بر پایه تجزیه و تحلیل فنی آثار موسیقی استوار بود؛ این شیوه انتقاد را «نقد علمی» خواندیم که هدفش تعیین ارزش فنی و هنری آثار موسیقی میباشد و در این راه به تنها معیار سنجشی که در این مورد سراغ میتوان گرفت (یعنی تجزیه آثار و مقایسه نیات هنرمند آفریننده با وسائلی که بکار برده است) اتکاء دارد.

این چنین شیوه‌ای، از آنجا که جنبه کاملاً فنی و علمی دارد، البته بیشتر در نشریات و مطبوعات فنی و اختصاصی بکار میتواند رفت. از این شیوه علمی که بگذریم لازمست با انتقادهای موسیقی که در مطبوعات غیر فنی و روزنامه‌های معمولی جای دارند نیز اشاره‌ای بکنیم.

اینگونه انتقاد، که شاید بتوان «انتقاد روزنامه‌ای» اش خواند،

- برخلاف انتقاد علمی - بیشتر در مورد نوازندگان و مجریان موسیقی مورد استعمال می‌یابد تا آثار موسیقی. هدف اینگونه انتقاد اینست که خوانندگان کثیر - و غیر حرفه‌ای - یک روزنامه‌را در جریان هنرنمایی یک هنرمند یا یک واقعه هنری بگذارد، بزبانی که فنی نباشد و بقدر مقدور بی طرفانه - یا بهتر بگوئیم: شرافتمندانه - بکوشد که ارزش فنی و هنری هنرمند یا کنسرتی را تشریح نماید، بصورتی آموزنده صفات و نقاط ضعف هنرمند منظور را مورد بحث قرار دهد، ذهن ویرا نسبت بمسائل هنری روشن سازد، دروی علاقه و کنجکاوی برانگیزد و به تلطیف فکر و ذهن و ذوق وی کمک نماید. گذشته از این، چنین شیوه انتقادی میتواند هنرمندی را که بناحق فراموش شده - یا هنوز فرصت خودنمایی نیافته است - از پس برده فراموشی یا گمنامی بیرون کشد و التفات عامه را، حقاً، بسوی وی جلب نماید؛ یا برعکس، مانع موفقیت سهل الوصول و شهرت بناحق هنرمندان عوام فریب بی مایه گردد... چنین انتقادی فقط در صورتی مؤثر و متبر خواهد بود که جلب اعتماد و اطمینان خواننده را کرده باشد و این امر میسر نخواهد بود مگر اینکه کسانی که بانتقاد می‌پردازند صلاحیت و بی نظری خود را بشبوت رسانده باشند.

امروزه يك جمله مساعد - یا نامساعد - نقادان موسیقی مهم‌فرنگ، کافست که موجب موفقیت - یا شکست - يك موسیقی‌دان گردد و سر نوشت حرفه‌ای ویرا تغییر دهد. چنین قدرت و اعتمادی را بر حسب تصادف و بدون شایستگی بچنگ نمیتوان آورد و انتقاد «روزنامه‌ای» بدون نقادی که چنین حس اعتمادی برانگیزد، تأثیر و بهره‌ای نخواهد داشت.

از آنچه گفتیم چنین برمی‌آید که در این میان شخصیت نقاد اهمیتی بسزا دارد. در انتقاد روزنامه‌ای، کمتر تجزیه و تحلیل فنی در کار است، قصد نقادی که باینگونه انتقاد می‌پردازد اینست که بین خود و خوانندگانش رابطه و نوعی علاقه معنوی ایجاد نماید؛ غرض این نیست که عقاید وی از جانب خوانندگان یکسره بی‌چون و چرا پذیرفته شود بلکه اینست که نقاد لااقل آنقدر مورد اعتماد و توجه خوانندگان باشد که قضاوت و انتقادش مورد بحث و مطالعه و سپس قبول - یارد - آنها قرار گیرد و از این راه آموزنده، در حقیقت قضاوت شخصی آنها را پرورش دهد و راهنمایی کند.

تذکر این نکته بخصوص ضرورت دارد که برخلاف آنچه ممکنست بنظر برسد قضاوت موسیقی دانانی که در رشته خاص تخصصی خود دست بانتقاد میزنند غالباً خالی از اعتبار و ارزش انتقادی تشخیص داده شده است. بدین معنی که آوازه خوانی که درباره آوازه خوانی دیگر - یا پیانیستی که درباره پیانیستی دیگر - بیحس انتقادی میپردازد بالطبع وسعت دید و قضاوتش محدود بحدود فنی و یک جانبه خواهد بود. توجه بدین نکته لازمست که خزاننده یک مقاله «انتقاد روزنامه ای» چه میخواهد. بعلاوه باید دانست که انتقاد، بمفهومی که منظور ماست، خود، حرفه ایست و نقاد «آمانور» را به موسیقی دان «آمانور» باید سپرد... اما اگر گفتیم که انتقاد حرفه ایست این سؤال پیش می آید که حرفه نقد موسیقی رادر چه مکتبی میتوان آموخت؟

همانطور که در مقاله گذشته اشاره کردیم، کلاس هایی که در برخی از کشورها جهت تربیت نقادان موسیقی تشکیل شده (و خوشبختانه پس از چند صباحی موقوف شده است!) و وحذف فکر و قضاوتی که از آن ناشی میتوانست شد بهر حال از لحاظ هنری کاری مضر بالاقبل غیر عملی و بیحاصل است. مسلم است که «حرفه» ای که مورد بحث ماست از معلومات جامع فنی بی نیاز نمیتوان بود ولی بعقیده ما در این مورد حس طبعی انتقاد و نکته - سنجی و تیز بینی و موشکافی هم همانقدر - و گاه بیشتر - اهمیت دارد. البته «نقد علمی»، بنحوی اصولی و معتبر، بدون اتکاء ببعضی معلومات علمی و تاریخی و «موزیکولوژیک» امکان پذیر نیست ولی در مورد انتقاد روزنامه ای آنچه بیشتر مورد احتیاج است طبع و نظری نکته سنج و دقیق است که بتواند بی درنگ قضاوت و انتقاد نماید زیرا هدف این نوع انتقاد، بقول یکی از نویسندگان بزرگ اینست که «انگیزه فکر و محرکی برای اندیشیدن باشد...» یا اصلاً بقول یکی از مشهورترین منتقدان «روزنامه ای»:

«... وظیفه منتقد قضاوت نیست بلکه دعوت بجز و بحث است...»

انتقاد موسیقی، همچون همه انواع قضاوت و داوری، بالطبع جائز - الخطاست. در «نقد علمی»، از آنجا که بر تجزیه و تحلیل فنی استوار است کمتر بیم خطا میرود، اما «انتقاد روزنامه ای» را (که گفتیم هدفش بیش از آنچه تعیین ارزش قطعی هنری باشد، «برانگیختن اندیشه و دعوت بجز

و بحث « است) نمیتوان ، بعلت سهو و خطائی احتمالی ، محکوم کرد و با توجه بآنچه گفتیم مسلم است که سود اینگونه انتقاد بر زبان ناشی از خطای احتمالی اش می چربد .

در زبان فرانسه ضرب المثلی هست که میگوید « هنر مشکل است و انتقاد آسان » . این ضرب المثل را بموسیقی دانی نسبت داده اند که ظاهراً هدف نیش قلم نقادان قرار گرفته بوده است . با اندکی توجه بآنچه عرضه داشتیم منصفانه تصدیق باید کرد که انتقاد صحیح را « آسان » نمیتوان انگاشت و اگر بخواهیم حق مطلب را ادا کنیم باید گفت که انتقاد موسیقی ، مثل هر آنچه بهنر مربوط میشود ، مشکل است ؛ و اصولاً اینگونه انتقاد خود هنریست ...

آنچه گذشت کلیاتی بود درباره نقد و انتقاد موسیقی و شیوه های مختلف آن . ولی این کلیات را در برخی موارد نمیتوان یکسره در همه جا و در مورد شرایط مکانی گوناگون ، عمومیت داد ، از همینرو ناگزیر بحث ما ، اگر توفیق دست داد ، به « انتقاد موسیقی در ایران » بسط خواهد یافت ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی